



بازپس گیری فرهنگی اتحاد

معرفی سریال «فرمانده جنگ»

گروه فرهنگ: سریالی جدید در ژانر درام تاریخی به نام «فرمانده جنگ» در حال پخش است که با استقبال بینندگان و منتقدان روبه‌رو شده است. سریالی که توماس پالسیبیت و جیسون موموآ برای اپتی‌وی پلاس ساخته‌اند به‌ویژه از این جهت که موموآ در آن بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده اجرایی است، توجهات را به خود جلب کرده است. موموآ گفته، سریال «فرمانده جنگ» پروژه‌ای شخصی و حاصل رؤیای ۲۵ ساله او به‌عنوان یک بومی تبار هاوایی است. او این پروژه را فرصتی برای ادای دین به فرهنگ و میراث‌اش توصیف کرده است. سازندگان اثر اعلام کرده‌اند که هدف‌شان به تصویر کشیدن واقعی یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ هاوایی با دیدگاهی نزدیک به واقعیت است. سریال «فرمانده جنگ» طبق اعلام تهیه‌کننده‌ها و شرکت پخش‌کننده، در ۹ قسمت پخش می‌شود. از دو قسمت این سریال که تاکنون پخش شده، آنچه دریافت‌ه‌ایم این است که سازندگان، سریال را به‌عنوان مکانی با تاریخی پیچیده و عمیق مانند هر سرزمین دیگری که فرهنگ، آداب و رسوم خاص دارد، به تصویر می‌کشند و این واقعیتی است که در تقابل با نگاه‌های کلیشه‌ای و توریستی هالیوود به هاوایی قرار دارد. داستان سریال بر بستری از جنگ و تقابل‌های خشونت‌آمیز برای رسیدن به حقوق بومیان پیش می‌رود و درباره تلاش‌های یک فرمانده برای متحدکردن چهار جزیره (هاوایی، ماوئی، اوآهو و کائوآئی) در اواخر قرن هجدهم، زیر سایه تهدیدهای استعمارگران است. برای نسل‌ها، سران قبایل که آلبینی (ali i) نامیده می‌شوند، از طریق شبکه‌ای پیچیده از جنگ، دیپلماسی، ازدواج‌های استراتژیک به‌ویژه کشت‌و‌کشتار زیاد بر این جزایر حکومت می‌کردند. «فرمانده جنگ» سریالی اصیل است که به‌شکلی گسترده از زبان بومی هاوایی در آن استفاده شده است. به‌طوری‌که حتی خود موموآ هم ناچار به یادگیری گویش خاص سریال شده است. جالب اینکه در صحنه‌های فیلمبرداری، ناظران گویش حرف آخر را در مورد قابل قبول بودن هر برداشت می‌زدند. چرا که معتقد بودند، اگر کلام به‌درستی منعقد نشود، انگار واقعیت حذف شده است. این تعهد به اصالت در تمام جنبه‌های تولید مشهود است. منتقدان و کارشناسان، طراحی صحنه و لباس سریال را ستوده‌اند. لباس‌هایی با پرکاری‌های پیچیده، همچنین قایق‌های ساخته‌شده از چوب واقعی، دنیای سریال را نیز واقعی و ملموس نشان می‌دهند. موسیقی متن حماسی سریال نیز توسط آهنگساز افسانه‌ای، هانس زیمر، و جیمز اورینگهام ساخته شده که نشان از مقیاس بزرگ و اعتبار پروژه دارد. بازیگران سریال «فرمانده جنگ» عمدتاً از بومیان منطقه هاوایی به‌نام پلی‌زی نی انتخاب شده‌اند و آن‌گونه که منتقدان نوشته‌اند، همین باعث شده که داستان سریال، عمق بیشتری داشته‌باشد و فهم شبکه پیچیده قدرت و مناسبات در سریال، برای بیننده آسان‌تر باشد. از نقش‌آفرینی جیسون موموآ در نقش کایانا، به‌عنوان بهترین عملکرد دوران حرفه‌ای‌اش یاد شده است. او به‌خوبی نقش جنگجویی خسته از نبرد، رهبری بی‌میل و شخصیتی آینده‌نگر و درگیر تضادهای درونی را ایفا می‌کند. کایانا ماکوآ نیز که یک کشاورز و مربی قایقرانی بدون تجربه قبلی بازیگری است، در نقش شاه کاهه‌ها م‌ها‌اول یا متحدکننده بزرگ‌هاوایی حضور دارد. گفته می‌شود موموآ شخصاً او را برای این نقش انتخاب کرد، زیرا معتقد بود او تجسم اصیل این پادشاه است. سریال «فرمانده جنگ» با استقبال مثبت منتقدان روبه‌رو شده است. این سریال در وب‌سایت راتن تومیتوز امتیاز ۹۰ را کسب کرده و در انجمن منتقدان آمریکا نیز آن را حماسه‌ای بی‌رحمانه که تاریخ بومی هاوایی را با صالتی ستودنی بازسازی کرده، توصیف کرده است. این سریال در متاکریتیک نیز امتیاز ۷۲ از ۱۰۰ را دریافت کرده است. بااین‌حال برخی منتقدان نیز ضربه‌ها نیک، شخصیت‌پردازی بازیگران فرعی و پرداخت‌های ضعیف خرده‌روایت‌ها را از نقاط ضعیف سریال برشمرده‌اند. «فرمانده جنگ» فارغ از اینکه از نظر استانداردهای سریال‌سازی، فیلم‌نامه و کارگردانی چه کیفیتی دارد، در تاریخ تلویزیون کم‌سابقه محسوب می‌شود. این سریال یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تولیدی است که شرکت‌های فیلم‌سازی غربی، درباره یک فرهنگ بومی با بازیگران و خالقان بومی و از زاویه درونی آنها، ساخته‌اند و در آن روایت‌های تاریخی ساده‌انگاره و استعمارمحور را به چالش کشیده‌اند. سریال به‌نظری رس‌در بازپس‌گیری فرهنگی روایت تاریخ بومیان هاوایی، موفق است و به همین دلیل ارزش تماشاگرند دارد.



چشم‌هایی که ما را می‌بلعند

مروری بر کتاب چشم خدایگان که می‌کوشد با نگاهی ماتریالیستی رابطه پیچیده هوش مصنوعی و سرمایه‌داری را توضیح دهد

معرفی کتاب

چشم خدایگان: تاریخ اجتماعی هوش مصنوعی

نویسنده: متئو پاسکوینلی

مترجم: سهیل رضانژاد

انتشارات: هرمس

قیمت: ۳۳۰ هزار تومان



نیلوفر نادری

روزنامه‌نگار

کتاب «چشم خدایگان: تاریخ اجتماعی هوش مصنوعی» نوشته متئوپاسکوینلی، فیلسوف و پژوهشگر ایتالیایی، به رابطه پیچیده میان فناوری‌های هوش مصنوعی و نظام سرمایه‌داری می‌پردازد. نویسنده در این اثر با نگاهی انتقادی نشان می‌دهد که تحولات اخیر در حوزه هوش مصنوعی فقط محصول نوآوری‌های فنی نیستند، بلکه نتیجه مستقیم منطق انباشت سرمایه و استثمار نیروی کار در ساختارهای سرمایه‌داری معاصرند. ساختار کتاب شامل مقدمه و دو بخش اصلی است. در بخش اول، «عصر صنعتی» نویسنده نقدی اجتماعی و اقتصادی بر مفهوم الگوریتم ارائه می‌دهد و در بخش دوم، «عصر اطلاعات» بر تاریخ رسانه‌ای و ارتباط هوش مصنوعی با سایبرنتیک و اقتصاد تولیدیرالی تمرکز می‌کند.

▼ برآمدن خدایگان جدید

پاسکوینلی معتقد است، هوش مصنوعی ابزاری برای افزایش نظارت و کنترل اجتماعی است و برای بهره‌کشی هرچه بیشتر از نیروی کار، به‌کار گرفته می‌شود. او ریشه‌های این فناوری را نه در آزمایشگاه‌های پیشرفته، بلکه در تاریخ درازمدت مکانیزه کردن و خودکارسازی صنایع می‌داند. از انقلاب صنعتی تاکنون ماشین‌ها همواره وسیله‌ای برای افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های نیروی انسانی بوده‌اند و هوش مصنوعی ادامه همان روند است؛ با این تفاوت که این بار داده‌ها جایگاه اصلی منابع تولید ارزش را به دست آورده‌اند. به گفته نویسنده، سرمایه‌داری دیجیتال با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کاربران، شکلی نوین از استخراج ارزش را به وجود آورده است که شباهت زیادی به استعمار منابع طبیعی در گذشته دارد. فعالیت‌های روزمره کاربران در فضای آنلاین مانند جست‌وجوها، لایک‌ها و خریدها به نوعی کار نامرئی و بدون دستمزد تبدیل شده‌اند که ارزش اقتصادی زیادی برای شرکت‌های فناوری ایجاد می‌کند. این داده‌ها سپس توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی پردازش می‌شوند تا الگوهای رفتاری افراد پیش‌بینی و کنترل شود. بنابراین هوش مصنوعی نه‌صرفاً یک فناوری، بلکه ابزاری سیاسی برای اعمال قدرت و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی است. عنوان کتاب نیز به استعاره «چشم خدایگان» اشاره دارد؛ مفهومی برگرفته از پاناتیکیون، نوعی زندان طراحی‌شده برای نظارت دائمی. فناوری‌های مدرن نظارتی مانند سیستم‌های تشخیص چهره و ردیابی آنلاین، نسخه‌ای دیجیتالی از این ایده هستند که به «خدایگان» جدید یعنی شرکت‌ها و دولت‌ها امکان می‌دهند رفتار جامعه را تحت‌نظر داشته و کنترل کنند.

▼ بازکشف اهمیت هوش اجتماعی

کتاب «چشم خدایگان» که در سال ۲۰۲۳ منتشر شده، یکی از نخستین آثار تاریخ‌نگاری هوش مصنوعی به‌شمار می‌رود و تاکنون به بیش از ۱۲ زبان از جمله چینی، روسی، عربی و ترکی ترجمه شده است. نسخه فارسی آن توسط سهیل رضانژاد، ترجمه در سال ۱۴۰۳ توسط نشر هرمس منتشر شده است. نویسنده در این اثر با انتقاد از دیدگاه‌های غالب درباره هوش مصنوعی که عمدتاً روایت‌کننده کنترل‌کنندگان هستند، تأکید می‌کند که باید این فناوری را از منظر کسانی بررسی کرد که تحت کنترل آن قرار دارند. او معتقد است، هوش مصنوعی نباید به‌عنوان تقلیدی صرف از آینده‌های زیستی دیده شود، بلکه باید آن را امتدادی از الگوهای تقسیم کار و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پیشین دانست. هدف پاسکوینلی در این کتاب، بازکشف اهمیت هوش اجتماعی است؛ هوشی که بر هوش مصنوعی تأثیر می‌گذارد و به آن قدرت می‌بخشد. او هوش مصنوعی را نه فقط به‌عنوان یک فناوری مستقل، بلکه به‌عنوان بخشی از یک روند تاریخی و اقتصادی می‌بیند که باید با رویکردی انتقادی به آن نگریست.

موسوم به قاره‌ای و تحلیلی نیز دیده می‌شود. تحلیلی‌ها فلسفه را بیان واضح، صریح و دقیق مفاهیم و گزاره‌ها می‌دانند و احساسات مستتر در ادبیات را مانع فهم جامع‌ومانع می‌دانند. سبک آثار قاره‌ای‌ها اما خود مؤید تلقی یکسره متفاوتی از این نسبت است؛ کمالین که سبک نوشتاری را انفجوری‌هایی چون آدورنو و بنیامین در بسیاری از آثارشان متفاوت با رساله‌های مرسوم فلسفی است؛ شکل گزین گویه و قطعه‌وار دارد و چون تبعات ادبی آمیخته با استعاره و تمثیل است. نمونه‌ای شایان توجه از این سبک را می‌توان در کتاب «دیالکتیک روشنگری» سراغ گرفت. اگر بنیاستنسیالیست‌هایی چون سارتر و کامو نیز به این نتیجه رسیدند که برای طرح مسائل مبتلا به بشر معاصر، باید «تفکرمان را با تجارب تخیلی و ملموس رمان‌ها قوام بخشیم» و «رمان چیزی نیست مگر فلسفه‌ای در قالب داستان». در اندیشه پست‌مدرن نیز شاهد محو تدریجی مرزهای ادبیات و فلسفه هستیم و بخشی از اتصاف صفت «نوسوفسطایی‌گری» به این تفکر نیز به همین نکته اشاره دارد.

▼ چرا رمان‌های داستانیسکی اهمیت فلسفی دارند؟

آثار داستانیسکی امادر این میانه از چهره‌ی‌گی خاصی برخوردارند که دنیل کولاک، سرویراستار مجموعه Wadsworth Philosophers Series، امتقاعد کرده است که نگارش کتابی درباره «فلسفه داستانیسکی» را به خانم سوزان اندرسن سفارش بدهد؟ اندرسن خود در توضیح چرایی اهمیت فلسفی رمان‌های داستانیسکی به سه دلیل اشاره می‌کند:

نخست اینکه نویسنده روس دل‌مشغول مسائل فلسفی بود و از جمله به‌دوم مسئله بنیادین فلسفی اعتنایی تام داشت: ۱-مخمصه انسانی چیست؟ و ۲-ما با این مخمصه چگونه باید زندگی کنیم؟ در پاسخ به این دو پرسش، داستانیسکی بسیاری از موضوعات فلسفی چون «جبر و اختیار»، «ماهیت انسان»، «وجود خدا و مسئله شر» و چگونگی سازگاری این دو در جهان را به رمان‌های خود وارد کرد و تأثیر چنین سؤال‌های سترگی بر انسان‌های فرومانده از یقین را پیش روی مخاطبان خود قرار داد.

دومین دلیل اهمیت فلسفی داستانیسکی در این است که آثار او بر فیلسوفی چون نیچه اثر گذاشته است و برای نمونه اریک لوفت و داگلاس استنبرگ معتقدند: «تأثیر این نویسنده روس بر نیچه بسیار زیاد بود، حتی زیادتر از آنی که خود نیچه می‌فهمید یا حاضر بود بدان اذعان کند». جز این، آرای داستانیسکی با افکار فیلسوفان اگزیستانسیالیست قربانی خاص دارد؛ به‌طوری‌که او را در زمره اگزیستانسیالیست‌های الهی در کنار کسانی چون کیرکگارد، بردیایف، بوهر و مارسل دانسته‌اند و حتی والتر کامفن می‌نویسد؛ «یادداشت‌های زیرزمینی» داستانیسکی «بهترین پیش‌درآمد بر اگزیستانسیالیسم در همه‌دوران» است.

دلیل سوم مدنظر خانم اندرسن، امایه‌نقدهایی بازمی‌گردد که در کتاب‌های داستانیسکی بر جزم‌های فلسفی و دینی وارد می‌شود؛ از جمله تردید در «وحدت ذات فردی، دفاع عقلانی از اعتقاد به خدا، دفاع از اخلاق براساس عقل و منطق و حتی اعتبار خود عقلانیت.» بنابر آنچه گفته شد، اندرسن معتقد است که اگر چه آثار داستانی فلسفی می‌توانند تأثیر عمیق‌تری نسبت به آثار فلسفی معمولی بر مخاطب داشته باشند، اما نوشتن کتاب داستانی فلسفی از عهده نویسندگانی نادر برمی‌آید، زیرا بسیاری از کسانی که به‌نوشتن چنین آثاری خطر می‌کنند، در این تله می‌افتند که داستان کم‌های خود را با نزه‌ای فلسفی برک کنند و نتیجه بیشتر به اثر فیلسوفی شبیه شود که می‌خواهد حرفش را در قالب داستان بزند، نه اثر نویسنده‌ای توانا در خلق ادبی که البته با نگرش‌های فلسفی نیز مؤاست دارد. از این منظر، به‌تعبیر دقیق اندرسن: «داستانیسکی یکی از آن نادر نویسندگان بزرگی است که از قضا فیلسوف هم بود.»

ادبی اثر نیز از اهداف موضوعی آن جدایی‌ناپذیر است. جوزفین تی، کتاب «دختر زمان» را با دقتی چنان نوشته تا استدلال‌هایش نه به‌صورت یک‌رساله خشک آکادمیک آموزش نویسندگی ادبی یا آموزش اصول تاریخ‌نگاری، که به‌صورت یک مساعی فکری جذاب به خوانندگان ارائه شود. ترکیب لحن متفاوت، نوآوری ساختاری و بهره‌گیری خردمندانه از تکنیک‌های ادبی برای شرح ماجراهای تاریخی، اثری ساخته که آنتونی بوچر، نویسنده و منتقد معروف انگلیسی، آن را در زمره بهترین کتاب‌های پلیسی تمام اعصار قرار داده است.

▼ رمانی پلیسی در فضایی نئاتاری

رمان «دختر زمان» محیطی ایستا و ماهیتی ذهنی دارد، بااین‌حال ویژگی‌های ادبی‌اش برجسته است. نثر کتاب آن‌طور که منتقدان توصیف کرده‌اند، هوشمندانه، موجز و خواندنی است و خوشبختانه چنین احساسی در ترجمه فارسی‌اش به قلم رامین آذر بهرام نیز به‌خوبی عینیت یافته است. لحن اثر نیز با وجود علمی و تاحدودی روشنفکرانه‌بودن، با طنز آمیخته است و همین ویژگی مانع از آن می‌شود که شرح مفصل موضوعات تاریخی، کسل‌کننده به‌نظر برسد.

تی پیش از کسب شهرت، به‌عنوان یک رمان‌نویس پلیسی و معمایی، نمایش‌نامه‌نویس موفق با نام مستعار «گوردون دایووت» بود. نامی که حتی در اعلام خبر مرگ او نیز، از آن استفاده کردند. در حالی که «دختر زمان» به‌عنوان یک شاهکار ادبی برجسته است، جایگاه آن به‌عنوان یک اثر تاریخی بسیار متزلزل‌تر است. این اثر یک بازیگری انتقادی به تاریخ‌نگاری است و نویسنده نیز به‌شکلی استادانه به هجو و نقد روش‌های پرداخته که تاریخ‌نگاران برای مصرف عمومی تولید می‌کنند. به‌رغم همه اینها، نقض‌های روش‌شناختی و جانب‌داری آن از شواهد گزینشی، رمان را تا حدیک سوگیری روایی و ادبی تنزل می‌دهد.

در تحلیل نهایی، اهمیت «دختر زمان» نه در دقت تاریخی آن، بلکه در تلفیق انقلابی ژانرها و جست‌وجوی لایه‌به‌لایه و عمیق درباره چگونگی ساخته‌شدن روایت مسلط میان مردم و به چالش کشیدن آن نهفته است. «دختر زمان» باید به‌عنوان یک شاهکار داستان‌گویی به سعی دارد خواننده را قانع کند، قضاوت شود، نه یک اثر پژوهش تاریخی و در این زمینه نیز به موفقیتی گرانسنگ دست می‌یابد. در تحلیل نهایی باید گفت، جایگاه رمان «دختر زمان» در ژانر داستان جنایی بی‌چون و چراس‌ت.